

## اهدافِ مبارزاتِ جاریِ کارگرانِ صنعتِ نفت، گاز و پتروشیمی

کارگران ایران در دهه‌ی نود مبارزاتی را کلید زده‌اند که به موازات هر چه سرمایه‌دارانه‌تر شدن جامعه و لذا تعمیق شکاف طبقاتی و انباشتِ مِکنت در سمتی و مسکنت در سوی دیگر درگرفته است؛ به موازات تداوم و تشدید سیاست‌های سرمایه‌دارانه و ضدکارگری دولت‌های متفاوت و لذا آشکارشدن ماهیت دولت‌ها و افشا و بی‌اثر شدن شعارها و لفاظی‌های «مستضعف‌دوست» و «عدالت‌گرایانه» درگرفته است؛ این مبارزات از توفندگی بیش‌تری برخوردار می‌شوند و آب در خوابگاه مورچه‌گانِ سرمایه‌دار می‌ریزند.

کارگران هفت‌تپه، هپکو، آذرآب، معدن آق قلا، چادرملو، لوله صفا، معادن کرمان و ... در این دهه هرکدام پرچم مبارزه‌ی طبقاتی کارگران را بلند کرده و در راستای دفاع از معیشت خود و هم‌طبقه‌ای‌هایشان دست به اقدام زده‌اند. این مبارزات طبیعی‌ترین کنشی است که از سوی کارگران در مقابل استثمار هرروزه‌شان و نیز هجمه‌ی روزافزون‌تر سرمایه‌داران و سیاست‌های دولتیان رخ می‌دهد. از عقب‌ماندن هرساله‌ی حداقل مزد از نرخ تورم، شکل سه‌جانبه‌گرا و پیشاپیش ضدکارگری تعیین حداقل مزد، رشد هرروزه‌ی قیمت اقلام مصرفی و لذا سقوط سطح زندگی کارگران به ترازهای پایین‌تر و ... گرفته تا به تعویق افتادن همان دستمزدهای حداقلی، عدم تأمین شرایط ایمن کار، عدم تدارک شرایط صنفی مناسب محیط‌های کار اعم از غذا و سرویس ایاب و ذهاب و لباس کار، عدم رعایت همین‌قانون کار حداقلی بر سر اضافه‌کاری، مرخصی و ... زدن از این‌ور و آن‌ور دستمزدها با راهنمایی‌های مشاوران مالی شیاد شرکت‌ها و ... همه و همه دادِ اقشار مختلف کارگران را در صنایع مختلف از این بیدادهای طبقاتی درآورده و هرجا که شرایط مناسبی رخ داده، اعتراضات کارگران واحدهای صنعتی‌ای چون نمونه‌های فوق‌الذکر شکل گرفته‌اند؛ و این بار صحنه توسط کارگران پیمانی و رسمی (کم‌تر) صنایع نفت، گاز، پتروشیمی اشغال شده است.

کارگران پروژه‌ای و پیمانی در این بیست و اندی سال گذشته بار اصلی ساخت و راه‌اندازی ده‌ها و صدها مجتمع‌های عظیم و غول‌آسا را بر دوش داشته‌اند. وقتی که به ماهشهر و کنگان و عسلویه و خارک و ... نظر افکنیم، از عظمت این مجتمع‌ها انسان به شگفت درمی‌آید و سترگی و شکوه تلاش هم‌طبقه‌ای‌هایمان را که خاک به خاک، فونداسیون به فونداسیون، آجر به آجر، استراکچر به استراکچر، پایپ به پایپ، ساپورت به ساپورت، تجهیز به تجهیز، وایر به وایر، مخزن به مخزن و ... کارِ یدی و فکری خود را در هم آمیخته‌اند و با ملاحظه‌ی جانشان صنایع را آفریده‌اند، آفرین می‌گویند. نگارنده که خود سالیانی را در این پروژه‌ها مشغول به کار بوده، اذعان می‌کند که چنین کارهای سترگی، آن‌هم در گرمای پنجاه و اندی درجه و در رطوبت نود و اندی درصد جنوب، چه مایه و درجه‌ای از استقامت و پایداری را می‌طلبد؛ و این همه محصول تلاش و کار کارگران سیویل، جوش‌کار، فیتینگ‌کار، برق و کنترل، اسکافلدزن، راننده جرثقیل‌ها و لیفتراک‌ها و ... ساپورت‌بند، نصاب، ایمنی، خدمات و ... نه در دستانِ آن‌ها بل که به جیب سرمایه‌داران طماع و شیاد و هزارچهره سرازیر می‌شود و این همه به دلیل شیوه‌ی تولید سرمایه‌دارانه و مناسبات مالکیت منحصراً منتج از این شیوه است که بر ما همگی می‌رود.

خواسته‌ی اصلی کارگران پیمانی و پروژه‌ای در این دور از اعتراضات و مبارزاتشان که از روز ۲۹ خرداد ۱۴۰۰ و در وسعت و شدت بیش‌تری از سال گذشته درگرفته است، افزایش حقوق و نیز پرداخت معوقات است. خواسته و مطالبه‌ای برآمده از زندگی و معیشت آن‌ها که در مقابل و پیش‌خوان سرمایه‌داران و دولتیان قرار گرفته است و باید که پیش برده شده و گامی از آن عقب‌نشست. در زمانه‌ای که سرمایه‌داران و فرزندان مزلفشان انواع و اقسام ریخت‌وپاش‌هایی که تجمل طاغوت در برابری هیچ است راه انداخته‌اند و در زمانه‌ای که دولتیان هر چه دارند برای سرمایه‌داران و ضدکارگران رو می‌کنند، که مورد آخرش هم موضوع دستمزد منطقه‌ای است، و در زمانه‌ای که، به دلایل پیش‌گفته، آحاد کارگران و فرودستان در عسرت و تنگ‌دستی‌ای به سر می‌برند که حتا به عدم افاقه‌ی هزینه‌ی تحصیل فرزندانشان گسترش یافته، دفاع از حداقل معیشت و مبارزه برای افزایش دستمزد، شایسته‌ترین و بایسته‌ترین تحرکی است که می‌توان انجام داد. پس هدف مقطعی این مبارزات افزایش دستمزد و پرداخت معوقات است.

نمی‌شود که تضاد در مرکز یک نظام باشد و آن نظام در وضعیت پایداری باقی بماند. سرمایه‌داری نظامی طبقاتی است که تضاد مرکزین‌اش تضاد کار و سرمایه است و لذا مبارزه‌ی کارگران علیه سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داران آن را آکنده است و پایداری‌اش را برهم می‌زند. وقتی افق و آمال و منافع دو طبقه‌ی اصلی این جامعه، یعنی طبقه‌ی کار(گر) و طبقه‌ی سرمایه‌(دار) رودرروی هم قرار دارد، پس تصادم و تنش، بدیهی‌ست و قابل انتظار. لذا صحنه‌ی اصلی همین جدال و تصادم است.

سرمایه‌داران و دولتشان هر آن‌گاه که در مقابل امواج مبارزات کارگران قرار می‌گیرند، پس از انواع و اقسام دسیسه‌ها و توطئه و شکاف‌اندازی‌ها و داغ و درفش و دستگیری‌ها، اگر که مبارزات از توفندگی و استمرار کافی برخوردار باشد، دست به عقب‌نشینی‌هایی گذرا می‌زنند. اما به هیچ‌وجه نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد؛ چراکه در اولین فرصت و به محض این که ببینند کارگران عزم و انسجام اولیه را ندارند، دست به حمله و بازپس‌گیری امتیازات اعطاشده می‌زنند. پس موضوع اصلی حفظ همین عزم و انسجام است؛ پس موضوع اصلی متشکل کردن همین عزم و انسجام است؛ پس موضوع اصلی اتحاد هر چه قوی‌تر کارگران است. تاریخ مبارزات کارگران بهترین و مؤثرترین شکل این حفظ و متشکل کردن و اتحاد را نشان داده است: اتحادیه‌ی کارگری.

اتحادیه و سندیکا، مدرسه مبارزه‌ی کارگری و موجودیتی است که مقاومت پراکنده‌ی کارگران را متمرکز کرده و در طول زمان دوام می‌بخشد و فرصت را کمتر به سرمایه‌داران و دولتشان برای حمله داده و در صورت یورش آن‌ها موضع و سنگری مستحکم را برای دفع حملات، از پیش تدارک دیده است. پس هدف اصلی این مبارزات برپایی اتحادیه‌های کارگران در محل‌های پروژه و کار است.

بنابراین، فارغ از قیل‌وقال و فضای رسانه‌ای و انواع و اقسام سیاست‌های بورژوازی، باید بر مسیل مبارزه‌ی طبقاتی جاری شویم و به طبقه‌مان وفادار بمانیم و به قول همان کارگر پروژه‌ای اعتصابی: «ایران اینترن‌اشنال سگ کیه.»